

## امام صادق(ع) و الگوی رفتاری یک مسلمان

اگر مجموعه سخنان باقی مانده از امام صادق(ع) را در دو ساحت اندیشه و رفتار دسته‌بندی کنیم، در هر یک از این دو ساحت می‌توان به منظومه‌ای کامل از آموزه‌ها دست یافت که پاسخگوی پرسشهای بنیادی است.



اگر مجموعه سخنان باقی مانده از امام صادق(ع) را در دو ساحت اندیشه و رفتار دسته‌بندی کنیم، در هر یک از این دو ساحت می‌توان به منظومه‌ای کامل از آموزه‌ها دست یافت که پاسخگوی پرسشهای بنیادی است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر با عنوان «امام صادق علیه السلام و الگوی رفتاری یک مسلمان» یادداشتی از محسن الویری است که برای ارائه به همایش امام جعفر الصادق علیه السلام، دانشگاه سلجوق قونیه در بهمن ۱۳۸۹ تنظیم شده بود.

### چکیده

اگر مجموعه سخنان باقی مانده از امام صادق علیه السلام را در دو ساحت اندیشه و رفتار دسته‌بندی کنیم، در هر یک از این دو ساحت می‌توان به منظومه‌ای کامل از آموزه‌ها دست یافت که پاسخگوی پرسشهای بنیادی بشر در حیطه نظر و عمل است. و اگر دامنه رفتار را تا بدانجا بگسترانیم که اخلاق باطنی را نیز در بر بگیرد، خواهیم دید که منظومه برآمده از سخنان امام صادق علیه السلام در ساحت رفتار، گستره‌ای فراخ از ویژگی‌ها در امور مختلف را در بر می‌گیرد که مجموعه آنها الگویی برای سبک زندگی یک مسلمان در ابعاد و ادوار مختلف زندگی به دست می‌دهد. این ویژگی‌ها را می‌توان در چگونگی تعامل انسان با خود، با طبیعت، با دیگران و با خداوند جستجو کرد. یکی از اسناد مهم در این زمینه شیوه نامه‌ای است طولانی که امام صادق علیه السلام در قالب نامه‌ای آن را به پیروان خود ابلاغ کرده است. این نامه که از نظر نقد بیرونی و سندشناسی خدشه‌ای بر آن وارد نیست و تردیدی در درستی و راستی نگاشته شدن آن از سوی امام وجود ندارد، در همان دوران با چنان اقبالی روبرو شد که شیعیان نسخه‌ای از آن را در نمازخانه‌های خود نگاه می‌داشتند و هر صبح و شام بخشهایی از آن را می‌خواندند. این نوشتار در پی آن است که الگوی پیشنهادی برای روابط گوناگون مسلمانان در این نامه را بکاود و ضمن استخراج و معرفی آن، کارآمدی آن را برای الگو قرار گرفتن از سوی همه مسلمانان در جهان معاصر بنمایاند.

### مقدمه و بیان مسأله

در نگاهی کلی می‌توان آموزه‌های دینی را به دو دسته آموزه‌های مرتبط با ساحت اندیشه و آموزه‌های مرتبط با ساحت رفتار تقسیم کرد. آموزه‌های دسته نخست آموزه‌هایی هستند که در بردارنده گزاره‌هایی در باره عالم هستی و مراتب آن مانند عالم ماده و عالم مجردات و ویژگی‌های این جهان و آن جهان و در یک کلام مجموعه هست و نیست هاست و آموزه‌های دسته دوم آموزه‌هایی هستند که در بردارنده گزاره‌هایی در باره عالم تشریح و قوانین الهی و در یک کلام مجموعه بایدها و نبایدهاست. البته در باره تقسیم بندی معارف و آموزه‌های دینی روش سنتی دانشمندان مسلمان این بوده است که آنها را به سه دسته عقاید و باورها، احکام و رفتارها و اخلاق و سجایای نفسی تقسیم می‌کرده اند. ولی همان گونه که ذکر شد، در تقسیم بندی دیگری که در این نوشتار مبنا قرار گرفته است مجموعه این آموزه‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شود و بخش عمده اخلاق که ناظر به بایستگی‌های اعضا و جوارح آدمی است هم در بخش رفتارها قرار می‌گیرد. این نوشتار بر آن است تا بر اساس نامه مهمی از امام صادق علیه السلام که در متون دینی ما وجود دارد، یک الگو برای روابط گوناگون مسلمانان پیشنهاد نماید.

### مراد از متن دینی

وقتی از متون دینی سخن به میان می‌آید، مراد از متون دینی، متونی است که برای ما جنبه قدسی دارد. قرآن و سنت نبوی اصلی‌ترین متن دینی مورد پذیرش همه مسلمانان است. ولی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، افزون بر سنت نبوی، سنت ائمه معصومین علیهم السلام را هم به عنوان بخشی از متن دینی قبول دارند. در این نگاه متونی مانند تفاسیر قرآن و یا منابع فقهی هر چند مبتنی بر متون اصلی دینی هستند ولی طبعاً متن اصلی دینی به حساب نمی‌آید و تقدس و اعتبار و خدشه ناپذیری متون نوع اول را ندارند. در باره اعتبار و درستی آیات قرآن هیچیک از مسلمانان تردیدی ندارند ولی در باره سنت با توجه به اینکه احادیث جعلی فراوانی در آنها وجود دارد، باید با بررسی‌های سندشناسانه و نقدهای بیرونی و درونی روایات، ابتدا صحت صدور آنها را اثبات کرد، بنا بر این روشن است که تنها احادیثی که صدور آنها از سوی معصوم علیه السلام اثبات شده باشد دارای اعتبارند و در متن دینی به مفهومی که ذکر شد، قرار می‌گیرند.

### امام صادق علیه السلام و اهمیت شناخت اندیشه‌های وی

در میان ائمه معصومین مورد پذیرش پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، امام ششم امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام (تولد: ۸۳/۸۰ ق، امامت: ۱۱۴ ق. رحلت: ۱۴۸ ق.) به دلیل شرایط ویژه‌ای که در ایام امامت خود داشت توانست بیش از دیگر امامان به بیان مواضع مختلف خود در باره مسائل اندیشه‌ای، رفتاری و اخلاقی بپردازد. حجم قابل توجهی از روایات شیعی منقول از این امام همام است. امام صادق علیه السلام را می‌توان نخستین تدوین‌کننده اندیشه‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام در جنبه اندیشه و رفتار شمرد. این مسأله تا بدان پایه بود که حتی امام صادق علیه السلام را به عنوان مؤسس مذهب و یا مذهب شیعه را به عنوان مذهب جعفری منسوب به نام امام صادق علیه السلام شمرده‌اند. بدیهی است بر اساس باور شیعیان اثنی عشریه، این اندیشه‌ها گرچه نزد امامان پیشین هم بود و اشاراتی به آن داشتند، اما امام صادق علیه السلام این

فرصت را یافت که آنها را به صورتی سامان مند و گسترده عرضه کند.

اعتبارسنجی نامه مورد استناد در این مقاله

این نامه که قدیمترین نقل آن در بخش الروضه کتاب الکافی مرحوم کلینی آمده است (ج ۸، صص ۲۱۴) در منابع دیگر از جمله کتاب الوافی فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق.ج) ۲۶، صص ۹۷ ۱۱۳) و تحف العقول نوشته مرحوم ابن شعبه حرانی از علمای قرن چهارم (صص ۳۱۳ ۳۱۵) هم آمده است و نسخه های مختلف این نامه با وجود اختلاف جزئی در چینش مطالب، یکسان است. در این مقاله تنها بر نسخه مندرج در کتاب الکافی تکیه شده است. اگر قرار باشد در مقام نقد بیرونی این نامه و سنجش میزان اعتماد به صحت صدور آن هم یک بررسی مختصر صورت گرفته باشد، باید بگوییم این نامه از سه طریق مختلف روایت شده است:

• طریق نخست: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ حَقِصِ الْمُؤَدِّنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

• طریق دوم: وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

• طریق سوم: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

این مقاله مختصر مجالی برای بررسی تفصیلی این سلسله اسناد نیست و به همین مقدار باید بسنده کرد که طریق دوم نقل نامه از اعتبار بالایی برخوردار است و خدشه ای بر آن وارد نیست و با استناد به آن به راحتی می توان حکم کرد که به راستی این نامه از سوی امام صادق علیه السلام صادر شده است. در مقدمه این نامه چنین آمده است که وقتی امام صادق علیه السلام این نامه را خطاب به یاران و پیروان خود نوشت، به آنها دستور داد مدام به این نامه توجه داشته باشند و در آن تأمل کنند و بکوشند به آن پای بند باشند و به آن عمل کنند. شیعیان آن حضرت هم این نامه در نمازخانه های داخل منازل خود گذاشته بودند و بعد از انجام فریضه نماز به تأمل در آن می پرداختند. (اِنَّهُ كَتَبَ بِهَذِهِ الرَّسَالَةِ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَمْرَهُمْ بِمَدَارَسَتِهَا وَ النَّظَرِ فِيهَا وَ تَعَاهُدِهَا وَ الْعَمَلِ بِهَا فَكَانُوا يَضَعُونَهَا فِي مَسَاجِدِ بُيُوتِهِمْ فَلِذَا فَرَعُوا مِنَ الصَّلَاةِ نَظَرُوا فِيهَا، الكليني، ج ۸، ص ۲). مفاد این نامه دربردارنده مطالب بسیار سودمندی است که استخراج و دسته بندی آنها می تواند الگویی برای سبک زندگی یک مسلمان در همه ابعاد به ویژه روابط مختلف مسلمانان در همه ادوار تاریخ از جمله دوران معاصر که چگونه دیندارانه زیستن یک پرسش عمومی است در اختیار ما قرار دهد.

سبک زندگی و الگوی روابط مسلمانان

روشن است که اگر قرار باشد روزی الگویی برای سبک زندگی مسلمانان پیشنهاد شود باید همه آموزه های دینی مندرج در آیات قرآن، روایات نبوی و روایات اهل بیت پیامبر مورد بررسی قرار گیرد و در نوشتار حاضر تنها یکی از اسناد که البته از اهمیت زیادی برخوردار است مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. یک انسان دارای روابط مختلفی در زندگی خود است، این روابط را می توان به شکل های مختلفی تقسیم کرد. یکی از رایج ترین این تقسیم بندی ها، تقسیم آنها به چهار دسته کلی به شرح زیر است:

• رابطه انسان با خدا

• رابطه انسان با دیگران

• رابطه انسان با خود

• رابطه انسان با طبیعت

این روابط بخشی از سبک زندگی هر انسانی را تشکیل می دهد. مراد از سبک زندگی هم الگوهای نانوشته ای است که انسان همه رفتارهای خود را در قالب آن انجام می دهد. در این مقاله تنها سه بخش نخست این روابط یعنی رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با دیگران و رابطه انسان با خود مورد توجه قرار گرفته است.

دسته بندی مطالب نامه

با مبنا قرار دادن دسته بندی فوق، متن طولانی نامه به دقت مطالعه و گویه های برگرفته از آن ذیل هر یک از محورهای فوق قرار داده شد. و برای پرهیز از طولانی شدن حجم مقاله و نیز با توجه به دسترس بودن متن نامه در کتاب الکافی، از ذکر متن عربی آنها هم اجتناب شد. پیش از ورود به بحث تذکر این دو نکته لازم است:

• آنچه در این بخش مقاله آمده است، تنها گویه ها و عباراتی مختصر است ولی برخی از این عناوین در متن نامه، دارای توضیحاتی گاه تا نیم صفحه است و در بسیاری از موارد امام علیه السلام ابعاد این توصیه و مبنای شرعی و مستندات قرآنی آن و شواهد آن در زندگی پیامبر را هم توضیح فرموده اند که طبعاً با توجه به هدفی که این مقاله تعقیب می کند از ذکر همه آنها چشم پوشیده شد.

• گویه های استخراج شده از متن نامه ۵۵ بند بود ولی با توجه به تناسب برخی گویه ها با دو بخش مختلف، این گونه ها در هر دو بخش مورد استناد قرار گرفته است. همچنین

برخی گویه ها به دلیل مشابهت بسیار زیاد با هم در یک بند ذکر شده است. بنا بر این جمع گویه های زیر الزاماً به تعداد گویه های برداشت شده از نامه نیست.

اصلی ترین و مهمترین نکات مندرج در این نامه چنین است:

الف. رابطه انسان با خدا

۱. عاقبت نیکو و عاقبت خواهی از پروردگار

۲. اهتمام زیاد به تهلیل (ذکر لاله الا الله) و تسبیح (ذکر سبحان الله) و تقدیس خداوند و خاکساری در برابر ذات اقدس خداوند

۳. اهتمام زیاد به دعا (دو بار ذکر شده است)

۴. رغبت به آنچه خداوند ما را به آن ترغیب کرده است.

۵. دوری جستن از انس گرفتن به آنچه خداوند حرام کرده است

۶. پیروی نکردن از هوای و هوس و برداشتهای شخصی در امر دین و پای بندی تمام به حلال و حرامهای الهی

۷. پیروی از زندگی پیامبر و پیروی نکردن از هوی و هوس و برداشتهای شخصی در فهم و تفسیر زندگی پیامبر

۸. یک بار دست بلند کردن به هنگام آغاز نماز

۹. اهتمام به ذکر خدا در ساعات مختلف روز و شب

۱۰. کوشش فراوان برای فرمان بردن از خدا و بندگی او (دو بار ذکر شده است)

۱۱. اهتمام به حفظ آنچه از رسول خدا و ائمه اهل بیت او باقی مانده است

۱۲. رضایت داشتن از آنچه خدا ساخته و خواسته است

۱۳. اهتمام به نمازهای روزانه

۱۴. دوری جستن از بازداشتن (حبس) حقوق الهی

۱۵. ولایت پذیری خدا و رسول خدا و مؤمنان و تبری جستن از دشمنان آنها

۱۶. وفای به عهدهی که در برابر خداوند بر گردن دارد مانند ولایت پذیری، اقامه نماز، پرداخت زکات و دادن قرض الحسنه

۱۷. دوری جستن از آنچه خداوند آن را حرام کرده است

۱۸. توجه به این نکته که اسلام یعنی تسلیم در برابر حق

۱۹. اطاعت از خدا برای احسان به نفس

۲۰. دوری جستن از معصیت و گردن فرازی کردن در برابر خداوند (دو بار ذکر شده است).

۲۱. توجه به اینکه هیچکس جز خدا غنی کننده انسان نیست

۲۲. کوشش برای برخورداری از شفاعت شفاعت کنندگان از طریق به دست آوردن رضای خدا

۲۳. ترک نکردن فرمان خدا و فرمان هر کس که به پیروی از خدا فرا می خواند.

۲۴. عاقبت نیکو وعافیت خواستن از خدا

۲۵. درخواست از خداوند برای جای دادن اسلام در سینه خود و سخن گفتن بر اساس حق

۲۶. توجه کردن به این نکته که شرط محبوب خدا شدن پیروی از فرامین خدا و اولیای اوست.

ب. رابطه انسان با دیگران

۱. حفظ آرامش و وقار و سکینه

۲. حفظ حیا و دوری جستن از هر آنچه صالحان پیش از ما از آنها دوری جسته اند.

۳. خوش رفتاری با مخالفان و دوری جستن از شدت بخشیدن به مخالفت با آنها (دو بار ذکر شده است)

۴. برخورد نیکو داشتن با بدرفتاری ها برای جلوگیری از نادیده گرفته شدن و زیر پا ماندن حق

۵. بازداشتن زبان جز از خیر و پرهیز از بدگویی و تهمت و دشمنی ورزی

۶. دوری جستن از آنچه خداوند ما را از آن برحذر داشته است.

۷. سکوت جز در آنچه برای آخرت سودمند باشد.

۸. شکیبایی ورزیدن در برابر مشکلاتی که دشمنان در برابر پای بندی به حق ایجاد می کنند.

۹. خوش رفتاری با مردم

۱۰. پرهیز از دشنام دادن به دشنام دهندگان به خدا و اولیاء خدا

۱۱. مهرورزی به مستمندان و دوری جستن از خوار شمردن و تکبر ورزیدن به آنها

۱۲. دوری جستن از فخرفروشی و خودبزرگ بینی

۱۳. دوری جستن از بغی و تعدی به حقوق دیگران

۱۴. دوری جستن از حسد

۱۵. کمک به مسلمانان مظلوم

۱۶. کمک به همدیگر

۱۷. دوری جستن در حد توان از بدگویی علیه صالحان نزد پیشوای جامعه اسلامی و در تنگنا قرار دادن امام

۱۸. دوری جستن از در تنگنا قرار دادن برادران مسلمان

۱۹. دقت در مرزبندی های اعتقادی و اجتماعی و دقت در اینکه انسان در شمار اهل باطل قرار نگیرد.

۲۰. پرهیز از قرار دادن خدا و امام و دین در معرض دشمنی های اهل باطل

۲۱. قرار دادن حب و بغض ها بر اساس معیارهای خداپسندانه

۲۲. عادت دادن نفس به بلاء و مصیبت در دنیا و تدبیر در مصائب پیامبران که قرآن آنها را ذکر کرده است.

۲۳. پیروی کردن از هدایت و وقار و آرامش و حلم و خشوع و تقوا و راستگویی و وفای به عهد صالحان

ج. رابطه انسان با خود

۱. حفظ حیا و دوری جستن از هر آنچه صالحان پیش از ما از آنها دوری جسته اند،

۲. پرواپیشگی و رعایت تقوی، دوری جستن از آنچه خداوند ما را از آن برحذر داشته است.

۳. نیکی کردن به جسم و جان خود

۴. اطاعت از خدا برای احسان به نفس

جمع بندی و نتیجه گیری

با مروری دوباره بر مجموعه گویه هایی که ذکر شد، می توان گفت در باره رابطه انسان با خدای خود، اگر موارد مشترک و قابل ادغام در موارد بیست و شش گانه مد نظر قرار گیرد و به گونه ای در هم ادغام شود، از نظر امام صادق علیه السلام رابطه مطلوب پیروان آن حضرت با خدای متعال باید از ویژگی های زیر برخوردار باشد:

• توجه مدام به جایگاه و مقام و منزلت خداوندی

• اهتمام به انجام خواسته های خدا و دوری جستن از آنچه خداوند آن را ناپسند می داند به دور از برداشتهای شخصی

• رضایت داشتن به تقدیر الهی

• معیار قرار دادن پیامبر و اهل بیت او

• انجام عبادات

• مداومت بر ذکر خدا

• اهتمام به دعا

• زنده و آشکار نگاه داشتن نشانه های دین خدا

و در باره روابط اجتماعی مسلمانان با یکدیگر که از مهمترین روابطی است که یک انسان با آن سر و کار دارد، بررسی مؤلفه های برداشت شده از نامه، نشان دهنده آن است که در نگاهی کلی و با ادغام گویه های مرتبط با هم، می توان گفت امام صادق علیه السلام رابطه مطلوب شیعیان خود با دیگر شهروندان را تابع ویژگی های زیر می دانسته اند:

۱. دوری جستن از آنچه خداوند ما را از آن برحذر داشته است.

۲. رعایت همه موازین اخلاقی در برخورد های اجتماعی مانند حیا، وقار، خوش رفتاری، و دوری جستن از دشمنی نوزیدن، دشنام، فخر فروشی، حسد، بدگویی و تهمت

۳. دقت در مرزبندی های اعتقادی و اجتماعی و کوشش برای قرار داشتن در صف انسان های صالح و معیار قرار دادن رفتار صالحان

۴. داشتن روحیه کمک به یکدیگر به ویژه نسبت به مستمندان

۵. شکیبایی و رزیدن در برابر مشکلات رفتار حق مدارانه

و همچنین در باره رابطه انسان با نفس خود، خلاصه توصیه امام صادق علیه السلام به پیروان خود، رعایت تقوی و نیکی و احسان کردن به جسم و جان خود است.

این الگوی روابط که از سوی امام صادق علیه السلام مطرح شده است، برای هر مسلمان دیگر هم می تواند مورد پیروی قرار گیرد. در جهانی که خلأهای معرفتی و عاطفی متأثر از سیطره مدرنیته روز به روز آشکارتر شده و همه انسان های فرهیخته به دنبال الگویی جایگزین هستند، این الگو اگر به خوبی و به درستی به مردم جهان معرفی شود، از ظرفیت و جاذبه کافی برای جلب همگان برخوردار است. انکار نباید کرد که این الگو نیازمند تبیین بیشتر و همراه با ذکر مصادیق است تا پیروی از آن آسان شود. امام صادق علیه السلام در بخشی از این نامه فرموده اند:

هَذَا أَدَبُ اللَّهِ فَحَدُّوا بِهِ وَ تَقَهُمُوهُ وَ اعْقِلُوا وَ لَا تَتَّبِعُوا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ مَا وَافَقَ هَذَاكُمْ أَحَدٌكُمْ بِهِ وَ مَا وَافَقَ هَوَاكُمُ طَرَحْتُمُوهُ وَ لَمْ تَأْخُذُوا بِهِ

این آداب (پیشنهادی) ما و همان آداب خدایی است، آن را دریابید و آن را فهم کنید و در آن بیندیشید و آن را پشت سر خود نیندازید، اگر چنین کنید و به این آداب عمل کنید، به آنچه سازگار با هدایت یافتگی شماست دست یافته اید و به آنچه سازگار با هواپرستی شماست پشت کرده اید و آن را وانهاده اید.

این پیام تنها خطاب به مخاطبان اولیه نامه نیست، این پیام همه مسلمانان و بلکه همه انسان های حقیقو را به خود فرا می خواند.